



مرکز آمار ایران



بررسی وضع زناشویی جمعیت کشور

در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

عذرا نایینی

عباس توسلی

محمد رضا حطیطه

یوسف بشیری



پژوهشکده‌ی آمار

گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آمار

زمستان ۱۳۹۲

پیش‌گفتار

ازدواج پیوندی باثبات است که بین زن و مرد منعقد می‌شود و یکی از وقایع چهارگانه‌ی حیاتی است، که به واسطه‌ی آن خانواده به وجود می‌آید. خانواده، کوچکترین نهاد اجتماعی است که شخصیت فرزندان در آن شکل می‌گیرد. افراد تربیت‌یافته در دامن خانواده، وارد جامعه می‌شوند و براینده مؤلفه‌های رفتاری آن‌ها، رفتارهای اجتماعی گوناگون در جامعه را سازماندهی می‌نمایند. این چرخه همچنان تکرار می‌شود و حاصل آن تداوم نسل بشر را امکان‌پذیر می‌سازد.

این مقدمه‌ی کوتاه اهمیت فراوان بررسی موضوع ازدواج و زناشویی را روشن می‌سازد. امروزه تحولات ازدواج، به واسطه‌ی تغییر دیدگاه بشر نسبت به موضوع و بی‌توجهی به خانواده به‌عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نابسامانی‌هایی را نصیب جوامع بشری نموده است. بر این اساس تحلیل‌های مربوط به وضع زناشویی که با ازدواج توسعه می‌یابد و طلاق که بنیاد خانواده را تهدید می‌کند و منشأ بسیاری از مشکلات رفتاری در جامعه می‌شود، موضوعی تکراری و کهنه نبوده و حائز اهمیت فراوان است.

این پژوهش در گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری پژوهشکده‌ی آمار با همکاری سرکار خانم عدرا نایینی و جناب آقایان عباس توسلی، محمدرضا حطیطه و یوسف بشیری به انجام رسیده است، که بدین وسیله از ایشان صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. همچنین پژوهشکده‌ی آمار در انجام این پژوهش از همکاری‌های مالی و فنی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) بهره برده است که از همکاری آن سازمان صمیمانه قدردانی می‌شود. از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود نظرات ارزشمند خود را در ارتباط با مطالب این گزارش به گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری پژوهشکده‌ی آمار منعکس فرمایند.

گروه پژوهشی طرح‌های فنی و روش‌های آماری
پژوهشکده‌ی آمار

فهرست

فصل اول: کلیات	۱
۱-۱- مقدمه	۱
۲-۱- مبانی نظری ازدواج	۱
۳-۱- تحول سن ازدواج در دوره‌های پیشین ایران	۷
۴-۱- اهداف بررسی	۸
۵-۱- روش پژوهش	۹
۶-۱- تعاریف و مفاهیم	۱۰
فصل دوم: روش‌شناسی پژوهش	۱۵
۱-۲- یافته‌های داخلی	۱۵
۱-۱-۲- تصویر کلی وضع زناشویی جمعیت کشور: ۱۳۹۰	۱۵
۲-۱-۲- ازدواج و طلاق	۱۹
۱-۲-۱-۲- روند ۲۰ ساله‌ی ثبت ازدواج و طلاق در کشور	۱۹
۲-۲-۱-۲- میزان‌های ازدواج و طلاق در جمعیت کشور: ۱۳۸۰-۱۳۹۰	۲۱
۳-۲-۱-۲- میزان‌های ازدواج و طلاق در استان‌های کشور: ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰	۲۱
۳-۱-۲- جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یکبار ازدواج کرده	۲۴

- ۲-۱-۳-۱- روند تغییرات شاخص برای مردان و زنان در سال‌های سرشماری ۲۴
- ۲-۱-۳-۲- جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یکبار ازدواج کرده در استان‌های کشور ۲۵
- ۲-۱-۴- پیش‌رسی ازدواج ۳۰
- ۲-۱-۴-۱- روند تغییرات پیش‌رسی ازدواج مردان و زنان در سال‌های سرشماری ۳۰
- ۲-۱-۴-۲- پیش‌رسی ازدواج زنان و مردان استان‌های کشور ۳۲
- ۲-۱-۵- میانگین سن در اولین ازدواج ۳۷
- ۲-۱-۵-۱- روند تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان در سال‌های سرشماری ۳۷
- ۲-۱-۵-۲- میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان استان‌های کشور ۴۰
- ۲-۱-۶- افراد هرگز ازدواج نکرده و مجرد قطعی ۴۵
- ۲-۱-۶-۱- مقایسه‌ی تغییرات درصد مردان و زنان هرگز ازدواج نکرده در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ .. ۴۵
- ۲-۱-۶-۲- مقایسه‌ی تغییرات مجرد قطعی جمعیت استان‌های کشور در دو سرشماری ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ .. ۴۸
- ۲-۱-۶-۳- مقایسه‌ی تغییرات مجرد قطعی جمعیت استان‌های کشور در مناطق شهری و روستایی: ۱۳۹۰ .. ۴۸
- ۲-۱-۷- تأثیر سواد و سن در تأخیر ازدواج ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۵۲
- ۲-۱-۷-۱- بررسی وضعیت مردان باسواد هرگز ازدواج نکرده در استان‌های کشور: سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ .. ۵۲
- ۲-۱-۷-۲- بررسی وضعیت مردان باسواد بی‌همسر بر اثر طلاق در استان‌های کشور: سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ .. ۵۳
- ۲-۱-۷-۳- بررسی وضعیت زنان باسواد هرگز ازدواج نکرده در استان‌های کشور: سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ .. ۵۷
- ۲-۱-۷-۴- بررسی وضعیت زنان باسواد بی‌همسر بر اثر طلاق در استان‌های کشور: سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ .. ۵۸
- ۲-۱-۷-۵- وضع و سطح سواد در گروه‌های سنی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده: ۱۳۸۵ ۶۲
- ۲-۱-۷-۶- وضع و سطح سواد در گروه‌های سنی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده: ۱۳۹۰ ۶۷
- ۲-۲- یافته‌های بین‌المللی ۷۲

- ۷۲ ۱-۲-۲- تغییر الگوی ازدواج در آسیا
- ۷۳ ۱-۲-۲-۱- روندی به سوی ازدواج کمتر و دیرتر
- ۷۴ ۲-۲-۱-۲- اختلاف سنی بین همسران
- ۷۵ ۳-۲-۱-۲- مسائل ناشی از افزایش مجرد
- ۷۷ ۴-۲-۱-۲- روند طلاق
- ۷۸ ۲-۲-۲- میانه‌ی سن اولین ازدواج در آمریکا
- ۸۰ ۳-۲-۲- میانه‌ی سن ازدواج در استرالیا
- ۸۱ ۴-۲-۲- مقایسه‌ی شاخص‌های ازدواج در کشورهای منتخب جهان
- ۸۲ ۱-۴-۲-۲- آفریقا
- ۸۲ ۱-۴-۲-۲- تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج
- ۸۲ ۲-۴-۲-۱-۲- تغییرات پیش‌رسی ازدواج
- ۸۴ ۲-۴-۲- آسیا
- ۸۴ ۱-۴-۲-۲- تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج
- ۸۵ ۲-۴-۲-۲- تغییرات پیش‌رسی ازدواج
- ۸۸ ۳-۴-۲-۲- اروپا
- ۸۸ ۱-۴-۲-۲- تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج
- ۸۹ ۲-۴-۲-۳- تغییرات پیش‌رسی ازدواج
- ۹۰ ۴-۴-۲-۲- آمریکای لاتین و کارائیب
- ۹۰ ۱-۴-۴-۲-۲- تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج
- ۹۱ ۲-۴-۴-۲-۲- تغییرات پیش‌رسی ازدواج

۹۲ اقیانوسیه ۵-۴-۲-۲
۹۲ تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج ۱-۵-۴-۲-۲
۹۴ تغییرات پیش‌رسی ازدواج ۲-۵-۴-۲-۲
۹۵ شاخص‌های ازدواج جهان در یک نگاه ۶-۴-۲-۲
۹۷ فصل سوم: نتیجه‌گیری و پیشنهادها
۹۷ ۱-۳- وضعیت زناشویی جمعیت در کشور ایران
۱۰۰ ۲-۳- کشورهای آسیایی
۱۰۱ مرجع‌ها
۱۰۵ واژه‌نامه

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱-۲- جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کشور برحسب وضع زناشویی و سن: ۱۳۹۰ ۱۶
- جدول ۲-۲- مردان ۱۰ ساله و بیشتر کشور برحسب وضع زناشویی و سن: ۱۳۹۰ ۱۷
- جدول ۳-۲- زنان ۱۰ ساله و بیشتر کشور برحسب وضع زناشویی و سن: ۱۳۹۰ ۱۸
- جدول ۴-۲- تعداد ازدواج و طلاق ثبت شده در کشور: ۱۳۷۰-۱۳۹۰ ۲۰
- جدول ۵-۲- روند تغییر میزان‌های طلاق و ازدواج مبتنی بر آمارهای ثبتی: ۱۳۸۰-۱۳۹۰ ۲۲
- جدول ۶-۲- میزان‌های ازدواج و طلاق در استان‌های کشور، برحسب مناطق شهری و روستایی: ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۲۳
- جدول ۷-۲- درصد جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده برحسب جنس به تفکیک مناطق شهری و روستایی ۲۴
- جدول ۸-۲- درصد جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده، برحسب جنس و استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی: ۱۳۸۵ ۲۸
- جدول ۹-۲- درصد جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده، برحسب جنس و استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی: ۱۳۹۰ ۲۹
- جدول ۱۰-۲- درصد جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله بر حسب جنس به تفکیک نقاط شهری و روستایی (پیش‌رسی ازدواج) ۳۰
- جدول ۱۱-۲- درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده‌ی گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله در استان‌های کشور برحسب جنس به تفکیک مناطق شهری و روستایی (پیش‌رسی ازدواج): ۱۳۸۵ ۳۵
- جدول ۱۲-۲- درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده‌ی گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله در استان‌های کشور برحسب جنس به تفکیک مناطق شهری و روستایی (پیش‌رسی ازدواج): ۱۳۹۰ ۳۶
- جدول ۱۳-۲- میانگین سن اولین ازدواج جمعیت کشور بر حسب جنس به تفکیک مناطق شهری و روستایی .. ۳۸

- جدول ۲-۱۴- میانگین سن در اولین ازدواج برحسب جنس و استان به تفکیک مناطق شهری و روستایی:
 ۱۳۸۵ ۴۳
- جدول ۲-۱۵- میانگین سن در اولین ازدواج برحسب جنس و استان به تفکیک نقاط شهری و روستایی:
 ۱۳۹۰ ۴۴
- جدول ۲-۱۶- درصد افراد هرگز ازدواج نکرده بر حسب استان و جنس به تفکیک مناطق شهری و روستایی:
 ۱۳۸۵ ۴۶
- جدول ۲-۱۷- درصد افراد هرگز ازدواج نکرده برحسب استان و جنس به تفکیک مناطق شهری و روستایی:
 ۱۳۹۰ ۴۷
- جدول ۲-۱۸- تجرد قطعی جمعیت در استان‌های کشور برحسب جنس: ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ۴۹
- جدول ۲-۱۹- تجرد قطعی در استان‌های کشور برحسب جنس و مناطق شهری و روستایی: ۱۳۹۰ ۵۰
- جدول ۲-۲۰- درصد مردان باسواد هرگز ازدواج نکرده در استان‌های کشور برحسب گروه‌های سنی: ۱۳۸۵-
 ۱۳۹۰ ۵۴
- جدول ۲-۲۱- درصد مردان باسواد بی همسر بر اثر طلاق در استان‌های کشور برحسب گروه‌های سنی: ۱۳۸۵-
 ۱۳۹۰ ۵۶
- جدول ۲-۲۲- درصد زنان باسواد هرگز ازدواج نکرده در استان‌های کشور برحسب گروه‌های سنی: ۱۳۸۵-
 ۱۳۹۰ ۵۹
- جدول ۲-۲۳- درصد زنان باسواد بی همسر بر اثر طلاق در استان‌های کشور بر حسب گروه‌های سنی: ۱۳۸۵-
 ۱۳۹۰ ۶۱
- جدول ۲-۲۴- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده برحسب جنس، سن، وضع و سطح سواد:
 ۱۳۸۵ ۶۴
- جدول ۲-۲۵- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق شهری برحسب جنس، سن، وضع و
 سطح سواد: ۱۳۸۵ ۶۵
- جدول ۲-۲۶- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق روستایی برحسب جنس، سن، وضع
 و سطح سواد: ۱۳۸۵ ۶۶

- جدول ۲-۲۷- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده برحسب جنس، سن، وضع و سطح سواد: ۱۳۹۰ ۶۸
- جدول ۲-۲۸- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق شهری برحسب جنس، سن، وضع و سطح سواد: ۱۳۹۰ ۶۹
- جدول ۲-۲۹- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق روستایی برحسب جنس، سن، وضع و سطح سواد: ۱۳۹۰ ۷۰
- جدول ۲-۳۰- میانه‌ی سن اولین ازدواج در آمریکا: ۱۹۹۰-۲۰۱۰ ۷۹
- جدول ۲-۳۱- میانگین سن در اولین ازدواج، فاصله‌ی سنی ازدواج و درصد مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی منتخب - کشورهای منتخب آفریقا ۸۴
- جدول ۲-۳۲- میانگین سن در اولین ازدواج، فاصله‌ی سنی ازدواج و درصد مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی منتخب - کشورهای منتخب آسیا ۸۷
- جدول ۲-۳۳- میانگین سن در اولین ازدواج، فاصله‌ی سنی ازدواج و درصد مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی منتخب - کشورهای منتخب اروپا ۹۰
- جدول ۲-۳۴- میانگین سن در اولین ازدواج، فاصله‌ی سنی ازدواج و درصد مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی منتخب - کشورهای منتخب آمریکای لاتین ۹۲
- جدول ۲-۳۵- میانگین سن در اولین ازدواج، فاصله‌ی سنی ازدواج و درصد مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی منتخب - کشورهای منتخب اقیانوسیه ۹۵
- جدول ۲-۳۶- میانگین سن در اولین ازدواج، فاصله‌ی سنی ازدواج و درصد مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده بر حسب گروه‌های سنی منتخب - کشورهای منتخب جهان ۹۶

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱-۱- فرایند ترسیم برای محاسبه‌ی میانه‌ی سن در اولین ازدواج ۱۳
- شکل ۱-۲- تصویر کلی وضع زناشویی جمعیت کشور برحسب سن: ۱۳۹۰ ۱۶
- شکل ۲-۲- تصویر کلی وضع زناشویی مردان کشور برحسب سن: ۱۳۹۰ ۱۷
- شکل ۳-۲- تصویر کلی وضع زناشویی زنان کشور برحسب سن: ۱۳۹۰ ۱۸
- شکل ۴-۲- روند تغییرات ثبت طلاق در کشور: ۱۳۷۰-۱۳۹۰ ۲۰
- شکل ۵-۲- روند تغییرات طلاق و ازدواج در کشور: ۱۳۸۰-۱۳۹۰ ۲۲
- شکل ۶-۲- درصد جمعیت حداقل یک بار ازدواج کرده برحسب جنس ۲۵
- شکل ۷-۲- درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده‌ی گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله (پیش‌رسی ازدواج) برحسب جنس ۳۱
- شکل ۸-۲- درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده‌ی گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله (پیش‌رسی ازدواج) در مناطق شهری، برحسب جنس ۳۱
- شکل ۹-۲- درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده‌ی گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله (پیش‌رسی ازدواج) در مناطق روستایی، برحسب جنس ۳۱
- شکل ۱۰-۲- میانگین سن در اولین ازدواج جمعیت کشور برحسب جنس: ۱۳۳۵-۱۳۹۰ ۳۸
- شکل ۱۱-۲- میانگین سن در اولین ازدواج مناطق شهری برحسب جنس: ۱۳۳۵-۱۳۹۰ ۳۹
- شکل ۱۲-۲- میانگین سن در اولین ازدواج مناطق روستایی برحسب جنس: ۱۳۳۵-۱۳۹۰ ۳۹
- شکل ۱۳-۲- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در کشور برحسب جنس و وضع سواد: ۱۳۸۵ ۶۴

- شکل ۲-۱۴- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق شهری برحسب جنس و وضع سواد:
 ۱۳۸۵ ۶۵
- شکل ۲-۱۵- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق روستایی برحسب جنس و وضع سواد:
 ۱۳۸۵ ۶۶
- شکل ۲-۱۶- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در کشور برحسب جنس و وضع سواد: ۱۳۹۰ .. ۶۹
- شکل ۲-۱۷- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق شهری برحسب جنس و وضع سواد:
 ۱۳۹۰ ۷۰
- شکل ۲-۱۸- درصد افراد ۱۰ ساله و بیشتر هرگز ازدواج نکرده در مناطق روستایی برحسب جنس و وضع سواد:
 ۱۳۹۰ ۷۱
- شکل ۲-۱۹- درصد زنان مجرد در سن ۳۰-۳۴ کشورهای منتخب قاره‌ی آسیا: سال‌های ۱۹۷۰ و ۲۰۰۵ ۷۶
- شکل ۲-۲۰- روند تغییرات میانه‌ی سن اولین ازدواج در آمریکا: ۱۹۹۰-۲۰۱۰ ۷۹
- شکل ۲-۲۱- میانه‌ی سن ازدواج در استرالیا ۱۹۹۰-۲۰۱۰ ۸۰
- شکل ۲-۲۲- میانه‌ی سن در اولین ازدواج در استرالیا ۱۹۹۰-۲۰۱۰ ۸۱
- شکل ۲-۲۳- میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده - کشورهای منتخب
 آفریقا ۸۲
- شکل ۲-۲۴- پیش‌رسی ازدواج در مردان و زنان ۱۵-۱۹ ساله - کشورهای منتخب آفریقا ۸۳
- شکل ۲-۲۵- میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده - کشورهای منتخب
 آسیا ۸۵
- شکل ۲-۲۶- پیش‌رسی ازدواج در مردان و زنان ۱۵-۱۹ ساله - کشورهای منتخب آسیا ۸۶
- شکل ۲-۲۷- میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان حداقل یک بار ازدواج کرده - کشورهای منتخب
 اروپا ۸۸
- شکل ۲-۲۸- پیش‌رسی ازدواج در مردان و زنان ۱۵-۱۹ ساله - کشورهای منتخب اروپا ۸۹

- شکل ۲-۲۹- میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان حداقل يك بار ازدواج کرده - کشورهای منتخب آمریکای لاتین و کارائیب ۹۱
- شکل ۲-۳۰- پیش‌رسی ازدواج در مردان و زنان ۱۵-۱۹ ساله - کشورهای منتخب آمریکای لاتین و کارائیب ۹۱
- شکل ۲-۳۱- میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان حداقل يك بار ازدواج کرده - کشورهای منتخب اقیانوسیه ۳۴
- شکل ۲-۳۲- پیش‌رسی ازدواج در مردان و زنان ۱۵-۱۹ ساله - کشورهای منتخب اقیانوسیه ۹۴

فهرست نقشه‌ها

- نقشه ۱-۲- درصد مردان شهری ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یک بار ازدواج کرده: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۲۶
- نقشه ۲-۲- درصد زنان شهری ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یک بار ازدواج کرده: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۲۶
- نقشه ۳-۲- درصد مردان روستایی ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یک بار ازدواج کرده: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۲۷
- نقشه ۴-۲- درصد زنان روستایی ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یک بار ازدواج کرده: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۲۷
- نقشه ۵-۲- درصد مردان شهری حداقل یک بار ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله (پیش‌رسی ازدواج):
۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۳۳
- نقشه ۶-۲- درصد زنان شهری حداقل یک بار ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله (پیش‌رسی ازدواج):
۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۳۳
- نقشه ۷-۲- درصد مردان روستایی حداقل یک بار ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله (پیش‌رسی ازدواج):
۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۳۴
- نقشه ۸-۲- درصد زنان روستایی حداقل یک بار ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله (پیش‌رسی ازدواج):
۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۳۴
- نقشه ۹-۲- میانگین سن مردان شهری در اولین ازدواج: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۴۱
- نقشه ۱۰-۲- میانگین سن زنان شهری در اولین ازدواج: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۴۱
- نقشه ۱۱-۲- میانگین سن مردان روستایی در اولین ازدواج: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۴۲
- نقشه ۱۲-۲- میانگین سن زنان روستایی در اولین ازدواج: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۴۲
- نقشه ۱۳-۲- تجرد قطعی در جمعیت مردان کشور: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۵۱
- نقشه ۱۴-۲- تجرد قطعی در جمعیت زنان کشور: ۱۳۸۵-۱۳۹۰ ۵۱

کلیات

۱-۱- مقدمه

ازدواج پیوند مبارکی است که بین دو فرد از جنس مخالف منعقد می‌گردد و اساس تشکیل خانواده است. خانواده به‌عنوان کوچکترین نهاد اجتماعی و اولین کانون شکل‌گیری شخصیت انسان‌ها است. وضع زناشویی که گه‌گاه در کنار یا به‌جای ازدواج، در محافل جمعیتی و اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و به نوعی مفهوم دوام ازدواج را نیز القا می‌نماید، به کیفیت ازدواج و انتخاب درست همسر بستگی دارد. از طرف دیگر طلاق، مفهوم ناخوشایندی است که در هر حال وجود دارد و دوام ازدواج و ثبات خانواده را تهدید می‌کند. تحولات اجتماعی، بخصوص در دهه‌های اخیر منجر به پیدایش دیدگاه‌های مختلفی در خصوص خانواده، ازدواج و طلاق شده‌است. در این فصل ضمن مطالعه‌ی موردی منابع مربوط و سایت‌ها و مقالات چاپ شده و نیز ترجمه‌هایی که حسب نیاز توسط همکاران پروژه آماده شده‌است به طرح و بررسی برخی از دیدگاه‌های موجود پرداخته شده‌است.

۱-۲- مبانی نظری ازدواج

نظریه‌های زیر مربوط به خانواده است.

آنتونی گیدنز^۱ معتقد است: «نهادهای اجتماعی وسیله‌ی پیوند زندگی اجتماعی هستند. آن‌ها ترکیبات اساسی زندگی که انسان‌ها در کنش متقابل با یکدیگر پیدا نموده و از طریق آن‌ها در طول نسل‌ها تداوم می‌یابند را فراهم می‌کنند» (به نقل از شهلا کاظمی‌پور، ۱۳۸۳).

خانواده، گروهی از افرادند که با ارتباطات خویشاوندی پیوند یافته‌اند و اعضای بزرگسال آن مسئولیت مراقبت از کودکان را بر عهده دارند. پیوندهای خویشاوندی، ارتباطات میان افراد است که یا از طریق ازدواج و

^۱ - Anthony Giddens

یا از طریق تبار، که خویشاوندان خونی (مادران، پدران، فرزندان، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها) را با یکدیگر مرتبط می‌سازد، به وجود می‌آید (همان، ۱۳۸۳).

از نظر آلن ژیرارد^۲ «در بین تمامی مراسم، آداب و حوادث اساسی زندگی انسان، ازدواج از اهمیتی قابل توجه برخوردار است، هم از نظر فرد، هم از منظر زیستی و هم از دیدگاه اجتماعی، هیچ نهادی نیست که همانند آن جهانی و در غایت ثابت و پایدار باشد. از این رو هیچ نهادی همانند آن تحت تأثیر دگرگونی‌های اجتماعی قرار نمی‌گیرد» (همان، ۱۳۸۳).

دیدگاه‌های مختلف مربوط به ازدواج نیز در بستر زمان منجر به ارائه‌ی تعاریف مختلفی در این خصوص شده‌است که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

کارلسون^۳ در اثرش تحت عنوان «انطباق‌پذیری و ارتباط ازدواج» این تعریف را از ازدواج ارائه داده است: «ازدواج فرایندی است از کنش متقابل بین دو فرد. یک مرد و یک زن که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود بر پا داشته‌اند، و به‌طور کلی عمل آنان مورد پذیرش قانونی قرار گرفته است» (به نقل از شهلا کاظمی‌پور، ۱۳۸۳).

ازدواج با ایجاد امکان برقراری پیوند جنسی، در محیطی منحصر به فرد به نام «خانواده»، راه بسیاری از انحرافات اجتماعی، هرج و مرج‌های اخلاقی، بیماری‌های مقاربتی و ... را مسدود یا محدود می‌نماید و در صورت انتخاب درست، محیط مناسبی را برای شکوفایی استعدادهای نهفته‌ی افراد و ارضای نیازهای عاطفی آن‌ها فراهم می‌آورد. اما شروع پیوند زناشویی نیازمند توانایی‌هایی است که از آن به‌عنوان بلوغ یاد می‌شود. سن بلوغ، در تمام افراد یکسان نیست. شرایط زیست محیطی، شرایط اجتماعی و فرهنگی زندگی به‌عنوان عوامل اولیه‌ی تأثیرگذار بر سن بلوغ مطرح هستند. اکثر جوامع برای ازدواج و شروع پیوند زناشویی سن خاصی قایل هستند که معمولاً با در نظر گرفتن سن بلوغ تعیین می‌شود. با تعیین این سن، ثبت ازدواج‌های خارج از محدوده‌ی سنی تعیین شده، غیر قانونی تلقی می‌شود. سن قانونی ازدواج برای مردان و زنان یکسان نیست و با توجه به عواملی چون «شرایط جسمانی، سن بلوغ، مقررات دینی و مذهبی، آداب و سنن و فرهنگ جامعه، قوانین و مقررات اجتماعی، وضع اقتصادی، نوع شغل، میزان تحصیلات و جنس فرد» (شهلا کاظمی‌پور، ۱۳۸۳) تعیین می‌شود.

عامل مهم دیگری که در سن ازدواج مؤثر است نظام خانواده است. «در جوامعی که نظام خانواده‌ی گسترده رایج است، سن ازدواج معمولاً پایین است. در این نظام مسئولیت تربیت فرزندان بین همه‌ی اعضای خانواده مشترک است و بچه‌ها به آسانی مورد قبول قرار می‌گیرند، برعکس در جوامعی که بیشتر خانواده‌ها هسته‌ای هستند، مسئولیت بزرگ کردن فرزندان عمدتاً بر دوش والدین بوده و ازدواج آنقدر به تأخیر می‌افتد تا فرد بتواند از عهده‌ی این مسئولیت‌ها برآید» (همان، ۱۳۸۳).

کشورهای پر جمعیتی مثل هند و چین، که در صدد کنترل رشد جمعیت خود هستند تلاش نموده‌اند از طریق بالا بردن سن قانونی ازدواج و حتی تخصیص پاداش برای کسانی که تابع این قانون هستند، باروری را به تعویق

^۲ - Alain Girard

^۳ - Carlson

اندازند. سایر سیاست‌ها، نظیر تک فرزندی در چین، اگر چه در کنترل رشد جمعیت مؤثر بود، اما در بلند مدت بر ساختار سنی جمعیت این کشور آسیب جدی وارد نمود و به دلیل ترجیح جنسی شدید حاکم بر نظام اجتماعی این کشور، ترکیب جنسی جمعیت نیز به شدت آسیب دیده‌است. هم اکنون نسبت جنسی بدو تولد جمعیت چین برابر ۱۲۰ است که با آنچه معمول است (۱۰۵)، به نفع مردان فاصله‌ی قابل توجهی دارد. برخی از اقدامات انجام شده در این کشورها به شرح زیر است:

هوارد تیلور می‌گوید^۴: با توجه به این که یکی از عوامل اصلی ازدواج کشش جنسی است، بنابراین عامل بلوغ در آن نقش اساسی دارد و ازدواج در اکثر موارد پس از سن بلوغ انجام می‌شود. سن متوسط بلوغ برای افراد از حدود ۱۲ سال تا ۱۷ سال متفاوت است. «البته شواهد نشان می‌دهد که نوسان سنی فوق بین جمعیت‌های مختلف دارای مبانی وراثتی است، ولی به‌طور کلی متوسط سن بلوغ در برخی از جوامع زودتر فرا می‌رسد و در برخی دیرتر. این نوسان عموماً با وضع تغذیه و استانداردهای زندگی در ارتباط است» (به نقل از شهلا کاظمی‌پور، ۱۳۸۳).

دوبله سی لوگرولینگ^۵، خاطر نشان می‌سازد «در رژیم قدیم هر چه سطح زندگی پایین‌تر بود، سن ازدواج دختر عقب‌تر می‌رفت ولی در سن ازدواج مردان تاثیری نداشت. از طرف دیگر هنگام بحران و کمی محصول، سن ازدواج در طبقات فقیر از دو حال خارج نبود، یا دخترها خیلی زود شوهر می‌کردند و یا اصلاً شوهر نمی‌کردند. او نتیجه می‌گیرد که وقتی سطح زندگی اقتصادی-اجتماعی پایین بیاید روز به روز تعداد زن‌هایی که از شوهرانشان مسن‌تر هستند بیشتر می‌شود (همان، ۱۳۸۳).

آشفته تهرانی در مقاله‌ی آمارهای زیستی در ایران و جهان می‌نویسد: «هرچه ازدواج بین زنان و مردان در سنین پایین‌تر و نزدیک‌تر به سن بلوغ صورت گیرد، پیش‌رسی ازدواج در آن جامعه بیشتر است. در بیشتر کشورهای کمتر توسعه یافته زنان کمتر از ۲۰ سال به زناشویی و فرزندزایی می‌پردازند و حال آن که در جامعه‌های پیشرفته سن زناشویی به منظور به تأخیر انداختن باروری حتی به بعد از ۳۵ سالگی نیز می‌رسد» (همان، ۱۳۸۳).

امروزه اعتقاد بر این است که توسعه‌ی اجتماعی اقتصادی کشورها در تأخیر و بالا رفتن سن ازدواج نقش اساسی داشته‌است. در زیر برخی از مبانی نظری موجود در رابطه با چگونگی تأثیر مولفه‌های توسعه در بالا رفتن سن ازدواج بررسی اجمالی شده‌است:

«افزایش دسترسی زنان به اشتغال (نتیجه‌ی تغییرات ساختاری در بازار کار همراه با توسعه‌ی اقتصادی) هم بر روی خواسته و توانایی زنان و هم تمایل والدین آن‌ها برای به تعویق انداختن ازدواج تأثیر گذاشته‌است. با توجه به تئوری‌های موجود، سابقه‌ی کار، به خصوص در بخش رسمی، زنان را در معرض هنجارها و ایده‌های جدید قرار می‌دهد که مانع از ازدواج زود هنگام است» (ماکینوا-ادبوسوی، ۱۹۹۵).

^۴ -Howard Taylor

^۵ -Double C/ Logrolling

علاوه بر این، در اثر اشتغال ممکن است منابع اقتصادی ایجاد شود که به تعویق انداختن ازدواج را موجه جلوه دهد. همچنین انگیزه‌های اقتصادی برای والدین، جهت تشویق دختران خود به مجرد ماندن، در طول این دوره ایجاد نماید (ماسون و دیگران، ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳).

آموزش و پرورش متغیر کلیدی دیگری در بحث‌های نظری مربوط به سن ازدواج زنان است. در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، دسترسی به آموزش رسمی در ۳۰ سال گذشته به‌طور چشمگیری افزایش یافته‌است. با این حال، به رغم تعهدات پذیرفته شده توسط بسیاری از دولت‌ها و خانواده‌ها مبنی بر آموزش همگانی، فرصت‌های آموزشی برای دختران به‌طور گسترده‌ای در سراسر کشور متفاوت است. این تفاوت‌ها به‌طور سیستماتیک با تنوع در سن ازدواج مرتبط است، به این دلیل که ازدواج زود هنگام ممکن است منجر به صرف نظر کردن از این فرصت، برای دستیابی به آموزش متوسطه یا بالاتر باشد.

در نهایت، پیشرفت تحصیلی در کنار مشارکت نیروی کار، سهم بزرگی در کاهش جذابیت ازدواج زودهنگام دارد و از طرف دیگر بالا بردن نرخ دستمزد و افزایش دسترسی به مشاغل باعث کاهش انگیزه‌ی اقتصادی برای ازدواج زودهنگام می‌شود. آموزش رسمی فراتر از سطوح اولیه ممکن است به‌طور مستقیم با ازدواج زود هنگام در تضاد باشد، زیرا در کشورهای در حال توسعه زنان متأهل را به‌طور کلی در مدارس ثبت نام نمی‌کنند. (کوکران، ۱۹۷۹).

علاوه بر این، آموزش و پرورش رسمی محدوده شرکای ازدواج بالقوه زنان را کاهش می‌دهد، زیرا زنان به‌طور کلی انتظار دارند با مردانی ازدواج کنند که از نظر سطح تحصیلات حداقل هم سطح آنان باشند (سینگ و دیگران، ۱۹۹۶).

تحصیلات رسمی همچنین شکل ایده‌ها و ارزش‌ها را دگرگون می‌کند. برخی استدلال می‌کنند که یکی از اثرات تحصیل رسمی، به خصوص در سطوح پیشرفته، منجر به افزایش قرار گرفتن در معرض ارزش‌ها و رفتارهای غربی است (کالدول، ۱۹۷۶).

در کشورهای درحال توسعه، شهرنشینی سومین جزء توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی است که به نظر می‌رسد در افزایش سن ازدواج زنان تأثیرگذار بوده‌است. برخی معتقدند که تفاوت‌های شهری و روستایی در ازدواج، نه صرفاً توسط محل اقامت، بلکه از طریق تفاوت در ترکیب جمعیت ساکن در مناطق شهری و روستایی قابل توضیح است (به‌عنوان مثال، تفاوت در پیشرفت تحصیلی و مشارکت نیروی کار و تفاوت در نسبت جنسی و توزیع وضعیت زناشویی ناشی از مهاجرت) (اسمیت، ۱۹۸۳).

عوامل فرهنگی نیز ممکن است زمینه ساز برخی از تفاوت‌های مشاهده شده در سن ازدواج در یک کشور باشد. اما متأسفانه، داده‌های موجود به ما اجازه‌ی ارزیابی اثر مستقیم فرهنگ بر سن ازدواج زنان را نمی‌دهد. با این حال داده‌های جمع‌آوری شده، در مورد تنوع زمان ازدواج که بر اساس کشور و منطقه طبقه‌بندی شده‌است، ممکن است این فرضیه را پیشنهاد دهد که بین عوامل فرهنگی و سن ازدواج رابطه وجود دارد.

به دلیل مشکلات مربوط به اندازه‌گیری تأثیر مستقیم عامل فرهنگ بر سن ازدواج، از آن صرف نظر شده و عوامل توسعه‌ای تأثیرگذار بر این شاخص، در سه مولفه‌ی تحصیلات، مشارکت اقتصادی نیروی کار و اقامت در مناطق شهری محدود می‌شود.

تیلور در کتاب باروری و جمعیت می‌نویسد: «هر جامعه‌ای در مورد شکل پیوند جنسی قوانینی دارد. این قوانین عمدتاً در مورد سن ازدواج وضع شده‌اند. بیشتر جوامع سن یا دوره‌ی سنی خاصی را برای ازدواج زن و مرد مناسب می‌شناسند. سن قانونی ازدواج در کشورهای مختلف معمولاً بین ۱۳ تا ۲۷ سال متغیر است» (تیلور، ۱۳۶۸: ۵۸).

در دهه‌ی اخیر، بخصوص در کشورهای غربی مفهوم ازدواج کم‌رنگ شده‌است. افزایش روابط باز دو جنس بدون ازدواج (همخانگی)، که خود محصول فرار از نگرانی‌های مربوط به تامین مالی خانواده، احساس مسئولیت نسبت به یکدیگر و اعتماد سازی در روابط آنها است، نسبت به خانواده‌های واقعی (خانواده‌هایی که به دنبال ازدواج شکل گرفته‌است)، به مرحله‌ای رسیده‌است که در حال حاضر، علی‌رغم این که بیشترین توجه در این جوامع به فرزندان طلاق معطوف شده‌است، اما در کشورهایی مانند آمریکا، فرزندان حاصل از روابط جنسی خارج از ازدواج، تقریباً اکثر جمعیت کسانی را که در خانواده‌ای شامل یکی از والدین زندگی می‌کنند، پوشش می‌دهد. (اداره سرشماری ایالات متحده، ۱۹۹۶).

در مقاله‌ی دی-ورا کوهن^۶ (دسامبر ۲۰۱۱)، دیدگاه مردم آمریکا نسبت به ازدواج بررسی شده‌است. وی همچنین با استفاده از نتایج سرشماری‌های آمریکا به تحلیل تحولات سن ازدواج در این کشور پرداخته‌است. در این مقاله آمده‌است:

طبق داده‌های گزارش شده در سایت سرشماری آمریکا، در سال ۲۰۱۰، حدود نیمی از جوانان واقع در سن ۱۸ سالگی و بیشتر ازدواج کرده‌اند (۵۱ درصد). در مقایسه با سال ۱۹۶۰ که این شاخص برابر ۷۲ درصد بوده‌است. این کاهش بخصوص در مورد جوانان بالغ بیشتر قابل توجه است. در سال ۲۰۱۰، ۲۰ درصد افراد ۱۸-۲۹ ساله ازدواج کرده‌بودند که در مقایسه با سال ۱۹۶۰ که ۵۹ درصد از افراد واقع در این گروه سنی ازدواج کرده بودند، به کمتر از نصف کاهش یافته‌است. هم‌سو با این روند، سن مردان و زنان در اولین ازدواجشان به رکورد خود رسیده‌است. در سال ۲۰۱۱، میانه‌ی سن در اولین ازدواج برای مردان ۲۸/۷ و برای زنان ۲۶/۵ سال برآورد شده‌است. این به آن معنی است که در جامعه‌ی آمریکا بیش از نیمی از مردان تا سن ۲۹ سالگی و بیش از نیمی از زنان تا سن ۲۷ سالگی ازدواج نمی‌کنند. در سال ۱۹۶۰، میانه‌ی سن در اولین ازدواج، هم برای مردان و هم برای زنان نزدیک به ۲۰ سال بوده‌است.

درخصوص تحولات سن ازدواج، در طول زمان و در بستر توسعه‌ی اجتماعی اقتصادی کشور مطالب خواندنی زیادی در لابه لای مقالات علمی و کتاب‌های مختلف یافت می‌شود.

عذرا نایینی در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود (۱۳۷۹: ۹۵)، ضمن بررسی موقعیت زنان در جمهوری اسلامی ایران، به این نتیجه رسیده‌است که افزایش سطح تحصیلات و رشد فرهنگی زنان طی یک دوره‌ی ۴۲ ساله (۱۳۳۵-۱۳۷۷)، منجر به افزایش سن ازدواج، کاهش پیش‌رسی ازدواج و همچنین کاهش درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده شده‌است.

در ادامه‌ی مطلب فوق، بر اساس نتایج حاصل از تحقیق آمده‌است که تأثیر توسعه‌ی اجتماعی-اقتصادی، بخصوص در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر متوجه مناطق روستایی بوده‌است. از طرف دیگر

^۶ -D' Vera Cohn

توسعه‌ی راه‌ها و ارتباطات منجر به افزایش دسترسی روستاییان به امکانات شهری، نظیر تحصیل و اشتغال شده‌است. نسبت با سواد زنان در انتهای دوره‌ی ۴۰ ساله‌ی ۱۳۳۵-۱۳۷۵ نسبت به ابتدای آن بیش از ۹ برابر شده‌است. تحولات اساسی در سواد زنان از سال ۱۳۴۵ آغاز شده‌است (همان، ۹۵).

بهنام در کتاب مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ایران (۱۳۴۸: ۱۵۶)، نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۱۳۴۵ را برای بررسی روند تحولات سن ازدواج در ایران و عوامل مؤثر بر آن به کار برده‌است. جالب این که در آن زمان یعنی بیش از ۴۵ سال پیش، او با اشاره به تحولات خاص جامعه‌ی آن روز، که معتقد است اوضاع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی حاکم بر جامعه را دگرگون ساخته اظهار کرده‌است: الگوی ازدواج در ایران، مرحله‌ی انتقالی را طی می‌کند، مشخصات قبلی آن دستخوش دگرگونی شده و به خصوصیات ازدواج در جوامع غربی گرایش یافته‌است.

وی اظهار می‌کند: «در گذشته به دلیل آن که طلاق معمول نبوده‌است، مهریه اندک پذیرفته می‌شد. اما از چندی پیش تأثیر زندگی شهری و نامطمئن بودن آینده‌ی زنان، بر میزان مهریه افزوده است. سنگینی هزینه‌های مربوط به تهیه‌ی جهیزیه و مخارج سنگین جشن ازدواج اشکال دیگری است که دایره‌ی همسرگزینی را تنگ‌تر می‌کند و به دنبال آن سن ازدواج به تأخیر می‌افتد» (به نقل از شهلا کاظمی‌پور، ۱۳۸۳).

بهنام همچنین معتقد است که «انتشار تعلیمات متوسطه و عالی، مانع ازدواج‌های زودرس است. طولانی شدن دوره‌ی تحصیل و ضرورت کسب تخصص و تأمین معاش زندگی و ایجاد توقعات اجتماعی جدید چون میل به داشتن همسر با مدرک تحصیلی عالی و شغل معتبر از عوامل افزایش سن ازدواج در ایران است» (بهنام، ۱۳۴۸).

سایت تخصصی علوم اجتماعی، بخش جامعه‌شناسی، در مقاله‌ای با عنوان «جامعه‌شناسی طلاق» آورده است که «ازدواج ریشه طلاق است»^۷ (مرداد ۱۳۹۲). ریشه بسیاری از طلاق‌های فیزیکی و عاطفی را باید در نوع ازدواج جست و جو کرد. شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه در طی زمان دستخوش تغییر شده‌است. اگر چه تغییر در بسیاری از زمینه‌ها می‌تواند مثبت ارزیابی شود، اما متأسفانه در مورد ازدواج و طلاق این‌گونه به نظر نمی‌رسد. شرایط فرهنگی جامعه و قواعد و سنت‌های اصیل ایرانی کارکرد مطلوب خود را از دست داده‌است. در گذشته خانواده حرمت داشت و در هنگام ازدواج آنچه بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار می‌گرفت، دوام این نهاد اجتماعی بود، البته در آن زمان مسائلی نظیر عدم شناخت زوجین نیز مطرح بود که گاهی شرایط طلاق عاطفی^۸ را بر خانواده حاکم می‌نمود، اما نسبت به مسائل اجتماعی امروز، بسیار ناچیز و قابل اغماض است. امروزه تغییر و تحول نگرش‌ها، فرهنگ و ارزش‌های اجتماعی و... گاهی تا آنجا پیش رفته‌است که تنها دلیل ازدواج و انتخاب همسر، پاسخ به غرایز جنسی است. خانواده‌ها هویت فرهنگی خود را فراموش کرده‌اند و معیار انتخاب خود را تا این حد تنزل داده‌اند. در چنین شرایطی امکان ازدواج درست و تشکیل زندگی خانوادگی پایدار از بین می‌رود و طلاق، که در فرهنگ گذشته‌ی ما منفور تلقی می‌شد مگر در شرایط اضطرار، امروزه همراه

^۷ سایت تخصصی علوم اجتماعی به آدرس www/Socialsciences/ir، ۱۳ مرداد ۱۳۹۲

^۸ طلاق عاطفی شرایطی است که در آن، جدایی قطعی و ظاهری رخ نداده‌است. افراد در کنار یکدیگر و در خانواده حضور دارند، اما ارتباط عاطفی متقابل بین آن‌ها وجود ندارد. در چنین خانواده‌ای هریک از والدین تنها به خود می‌اندیشد و فرزندان در این میان سرگرداند. بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی و خشونت‌های رفتاری جامعه ارمغان این خانواده‌ها است.

ازدواج وارد خانواده‌های نوپا شده و گاهی منجر به فروپاشی بنیاد خانواده در کوتاه‌ترین زمان ممکن می‌شود. همچنین با توجه به عدم وجود دلایل منطقی و عقلایی برای ازدواج، گاهی آنچنان فضای سرد و بی‌روحی در خانواده ایجاد می‌شود که بسیار زیانبارتر از جدایی مطلق زوجین از یکدیگر است. در این میان، فشارهای اقتصادی و معیشتی، نوگرایی در رفتارهای اجتماعی بدون توجه به اخلاق که بخصوص در بین جوانان رواج یافته‌است و الگو برداری خانواده‌ها از غرب و تشویق فرزندان خود به ارتباط‌های آزاد با جنس مخالف، مزید علت شده و ارمغان همه‌ی این‌ها از رونق افتادن ازدواج صحیح، به تعویق افتادن و بالا رفتن سن ازدواج، طلاق و یا حاکم شدن شرایط ناخوشایند بر فضای خانواده‌ها حتی در صورت دوام ازدواج است.

«البته با شناخت مسائل و مشکلات این عرصه از اجتماع و تلاش برای تعدیل آنها می‌توان زمینه‌های ازدواجی سالم و زندگی با دوام و پایدار را برای زوج‌های جوان فراهم نمود» (اقتباس از سایت تخصصی علوم اجتماعی، مرداد ۱۳۹۲).

۱-۳- تحول سن ازدواج در دوره‌های پیشین ایران

آقاجانیان در مقاله‌ی خود «خانواده و تغییر آن در ایران» درباره‌ی خصوصیات ازدواج و سن ازدواج در گذشته و تغییرات آن در ایران اظهار می‌دارد: «ازدواج زودهنگام برای زنان و مردان ایرانی مرسوم بود. بر اساس گزارش‌های مسافران قرن نوزدهم به ایران، اغلب کودکان زمانی که خیلی کوچک بودند، نامزد می‌شدند و بعد از گذشت چند سال ازدواج می‌کردند. اگرچه چنین ازدواج‌هایی به‌طور کامل از بین نرفته است، اما در مقایسه با شرح تاریخی ازدواج کودکان، سن واقعی و قانونی ازدواج افزایش یافته است.» (آقاجانیان، ۱۲:۱۹۹۷).

آقاجانیان و مهریار نشان دادند که سن ازدواج طی دوره ۱۳۴۶-۱۳۵۵ افزایش یافت و معتقدند که به دلیل فشارهای اقتصادی سن ازدواج به تعویق افتاده‌است (آقاجانیان و مهریار، ۱۹۹۷:۷). در ایران ازدواج به‌عنوان یک حرکت مذهبی به حساب می‌آید و در گذشته ثبت ازدواج در مراکز مذهبی محلی انجام می‌شد. در سال ۱۳۰۹، به دنبال تغییراتی که در کشور اتفاق افتاد، ثبت وقایع حیاتی (تولد، ازدواج، طلاق و مرگ) نیز توسط حکومت رضا شاه عمومی شد. همچنین بر مبنای ماده‌ی ۱۰۴۱ قانون مدنی که برای اولین بار در سال ۱۳۱۴ به اجرا درآمد، سن ازدواج وارد حوزه‌ی قانون مدنی ایران شد. در این قانون حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تعیین شد، اما با وجود تعیین سن قانونی برای ازدواج، تا اواسط قرن بیستم سن واقعی ازدواج همچنان پایین بود. در سال ۱۳۴۵، ۴۷ درصد از زنان ۱۵-۱۹ ساله ازدواج کرده بودند. ده سال بعد یعنی در سال ۱۳۵۵ این رقم به ۳۴ درصد کاهش یافت. از طرف دیگر بعد از قرن‌های متمادی در دهه‌ی ۱۳۵۰، افزایش نسبی در سن ازدواج ایجاد شد، اگرچه این افزایش در ابتدا بسیار اندک بود. در دوره‌ی بعد، درصد افراد ازدواج کرده، در گروه سنی ۱۵-۱۹ که امروزه به پیش‌رسی ازدواج معروف است، اندکی کاهش یافت (در سال ۱۳۶۵ به رقم ۵/۳۲ رسید)، اما افزایش سن ازدواج در این دهه و دهه‌ی بعد قابل توجه بوده است و شدت این افزایش در مورد زنان بیشتر از مردان بوده‌است (بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۷۵، درصد افراد ازدواج کرده در گروه سنی ۱۵-۱۹ ساله به ۱۸ درصد رسید).

یک مطالعه‌ی نمونه‌ای ملی (آقاجانیان، ۱۹۹۷: ۱۵)، در مورد سن ازدواج در ایران نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد زنان متولد شده در سال ۱۳۳۱ تا سال ۱۳۴۷ یعنی قبل از رسیدن به سن ۱۶ سالگی ازدواج کرده بوده‌اند. سن قانونی ازدواج در ایران تا سال ۱۳۵۳ برای زنان و مردان همچنان به ترتیب برابر ۱۵ و ۱۸ سال بوده‌است. پس از دی ماه ۱۳۵۳ برای هماهنگ کردن قوانین ازدواج با سیاست کنترل موالید، حداقل سن ازدواج برای زنان و مردان به ترتیب به ۱۸ و ۲۰ سال افزایش یافت.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست افزایش جمعیت بر کشور حاکم شد. از طرف دیگر سن قانونی تعیین شده برای ازدواج با آنچه در شرع تعیین شده بود فاصله‌ی نسبتاً زیادی داشت. بنابراین، سن قانونی ازدواج برای هر دو جنس، معادل ۵ سال کاهش یافت و برای زنان و مردان به ترتیب ۱۳ سال و ۱۵ سال تعیین گردید. (موسوی بلادی، ۱۳۷۸: ۸۹).

دکتر بهنام در کتاب جامعه شناسی خانواده می‌نویسد: «یکی از ویژگی‌های ازدواج از زاویه‌ی سن زوجین، در ایران پراکندگی آن است. آنچنان که بازیابی هنجاری مشخص به دشواری امکان پذیر است. به عبارت دیگر ازدواج‌های زودرس (پیش‌رسی ازدواج)، در سنین ۱۲ یا ۱۳ سالگی در کنار ازدواج‌های سنین بالا (۲۷ یا ۲۸ سالگی)، به چشم می‌خورد و تعیین میانگین سن در اولین ازدواج به تنهایی قادر به نشان دادن واقعیت امر نیست» (بهنام، ۱۳۴۸: ۱۵۶).

۱-۴- اهداف بررسی

هدف اصلی در این مطالعه، بررسی وضع زناشویی جمعیت کشور در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۸۵ بوده‌است. با این وجود، به دلیل کوتاه بودن دوره‌ی بررسی و بطئی بودن، که خاصیت تغییرات ویژگی‌های زناشویی است، روند تحولات مربوط به ازدواج و طلاق و ویژگی‌های زناشویی جمعیت کشور نیز در کانون توجهات پژوهشگران این مجموعه قرار گرفت و در اغلب بخش‌های تحلیل به آن پرداخته شده‌است.

از طرف دیگر، موارد زیر نیز به‌عنوان اهداف فرعی طرح دنبال شده‌است:

- بررسی ساختار سنی جمعیت در رابطه با تغییرات الگوی ازدواج در کشور
- بررسی تحولات سن ازدواج در کشور
- بررسی روند تغییرات میانگین سن در اولین ازدواج زنان و مردان در کشور و استان‌ها
- بررسی روند تغییرات شاخص پیش‌رسی ازدواج در سطح کشور و استان‌ها
- بررسی مجرد قطعی زنان و مردان در استان‌های کشور
- بررسی شاخص فاصله‌ی سنی زوجین در اولین ازدواج آنها
- بررسی روند تغییرات در میزان‌های ازدواج و طلاق جمعیت در سطح کشور و استان‌ها
- بررسی رابطه بین سواد و وضع زناشویی جمعیت در سطح کشور و استان‌ها
- بررسی رابطه بین وضع فعالیت و وضع زناشویی جمعیت در سطح کشور و استان‌ها

۱-۵- روش پژوهش

روش مطالعه کتابخانه‌ای و اسنادی است و اطلاعات به کار رفته، اطلاعات ثانویه هستند، یعنی از اطلاعاتی که قبلاً به روش‌های ثبتی یا سرشماری تهیه شده و موجود است، استفاده شده‌است و به استثنای شاخص‌های بین‌المللی در سایر موارد تمام محاسبات توسط گروه پژوهشی تهیه شده‌است.

منابع اطلاعاتی شامل: نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ۱۳۳۵-۱۳۹۰، از مجموعه نشریات مرکز آمار ایران و آمارهای ازدواج و طلاق ثبت شده در سازمان ثبت احوال کشور است.

درخصوص تفاوت دو منبع اطلاعاتی به کار رفته و ارتباط آن با تحلیل‌های متن، ذکر نکاتی به شرح زیر اجتناب ناپذیر است:

شاخص‌های مربوط به وضع زناشویی نظیر: میانگین سن در اولین ازدواج، پیش‌رسی ازدواج، مجرد قطعی، عمومیت ازدواج و ... تنها از نتایج سرشماری قابل برداشت و استفاده‌است. سرشماری در گذشته هر ۱۰ سال یک بار و در حال حاضر هر ۵ سال یک بار اجرا می‌شود. اطلاعات حاصل از جداول سرشماری تجمعی است و تصاویر موجود در کشور، در مقطع زمانی سرشماری از آن به دست می‌آید. بنابراین مفاهیم، عموماً گذشته تا زمان سرشماری را در بر دارند. به‌عنوان مثال بی همسر بر اثر طلاق آمار تمام افراد کشور را که حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند و در زمان مراجعه‌ی مامور سرشماری بی همسر بر اثر طلاق بوده‌اند را شامل می‌شود.

این در حالی است که آمارهای ثبتی مورد استفاده در این تحقیق تنها رویدادهای ثبت شده در سال گذشته را ارائه می‌دهد. به‌عنوان مثال تعداد ازدواج ثبت شده دقیقاً تعداد ازدواج ثبت شده در یک سال تقویمی را ارائه می‌دهد.

در محاسبه‌ی برخی از شاخص‌ها از هر دو منبع اطلاعاتی استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال برای محاسبه‌ی میزان‌های ازدواج و طلاق، صورت کسر از آمارهای ثبتی و مخرج کسر از آمار سرشماری برداشت و مورد استفاده قرار گرفته‌است.

محققان محترمی که با اطلاعاتی از این دست کار می‌کنند باید در خصوص تحولات ازدواج و طلاق در کشور با احتیاط قضاوت نمایند. چرا که جامعه‌ای که ازدواج‌های آن‌ها ثبت شده‌است (شامل تمام افرادی است که در سال تقویمی معین ازدواج خود را ثبت کرده‌اند، ازدواج برخی از این افراد اولین بار است که ثبت می‌شود و در مورد برخی غیر از این است)، با جامعه‌ای که طلاق آن‌ها ثبت شده‌است یکی نیست (شامل افرادی است که در گذشته‌های دور یا نزدیک ازدواج کرده‌اند و نه لزوماً در سال تقویمی تعیین شده، و تنها طلاق آن‌ها در این سال ثبت شده‌است). در این مورد طول مدت زناشویی قبل از جدایی (طلاق)، شاخصی کارگشا خواهد بود.

همچنین در مباحث نظری، روش مطالعه اسنادی بوده و کتاب‌ها، رساله‌ها و سایت‌های معتبر مرتبط با موضوع، مورد بررسی و استفاده قرار گرفته‌است.

۱-۶- تعاریف و مفاهیم

ازدواج عمومی:

این شاخص گاهی به عنوان کمتر از ۵ درصد زنان که تا سن ۴۵-۴۹ سالگی وضعیت مجرد خود را حفظ کرده‌اند تعریف می‌شود.

پیش‌رسی ازدواج:

این نماگر از تقسیم جمعیت ۱۵-۱۹ ساله حداقل یکبار ازدواج کرده (مرد یا زن) به کل جمعیت ۱۵-۱۹ ساله (مرد یا زن) به دست می‌آید.

تجرد قطعی:

در جمعیت شناسی کسانی که تا سن ۵۰ سالگی ازدواج نمی‌کنند، مجرد قطعی نامیده می‌شوند و شاخص مجرد قطعی در رابطه با آن‌ها محاسبه می‌شود. این شاخص با استفاده از گروه‌های سنی ۵ ساله، به روش زیر قابل محاسبه است:

$$S_{50} = \frac{S_{45}^{49} + S_{50}^{54}}{2}$$

که در آن:

S_{45}^{49} : درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در گروه سنی ۴۵-۴۹ ساله

S_{50}^{54} : درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در گروه سنی ۵۰-۵۴ ساله

میانگین سن در اولین ازدواج:

این شاخص با استفاده از گروه‌های سنی ۵ ساله‌ی ۱۰-۵۴ یا ۱۵-۵۴ ساله با استفاده از روش هاینال قابل محاسبه است. در این مطالعه به دلیل افزایش پوشش جمعیت در معرض واقعه‌ی ازدواج، گروه سنی ۱۰-۵۴ ساله، مبنای محاسبه قرار گرفته و نماگر از رابطه زیر به دست آمده است:

$$SMAM = \frac{5 \sum_{10}^{49} S_i - 40 \times S_{50}}{100 - S_{50}} + 10$$

که در آن:

S_i : درصد افراد هرگز ازدواج نکرده در هر گروه سنی

S_{50} : درصد افراد ازدواج نکرده تا سن ۵۰ سالگی (تجرد قطعی)

در صورتی که گروه سنی ۱۵-۵۴ مبنای محاسبه قرار گیرد نیز فرمول فوق با کمی تغییر به کار می‌رود،

$$SMAM = \frac{5 \sum_{10}^{49} S_i - 35 \times S_{50}}{100 - S_{50}} + 15$$

عمومیت ازدواج:

در جامعه‌ی افراد در معرض واقعه‌ی ازدواج (جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر)، کسانی که تا قبل از رسیدن به سن ۵۰ سالگی حداقل یک بار ازدواج کرده باشند، از شمول مجردان قطعی خارج شده و در رابطه با آن‌ها شاخص دیگری به نام عمومیت ازدواج مطرح می‌شود.

این شاخص از رابطه‌ی زیر به دست می‌آید:

$$G = 100 - S_{50}$$

که در آن S_{50} میزان تجرد قطعی است.

آستانه‌ی سن تجرد (گروه سنی):

محاسبه میزان تجرد در گروه‌های سنی نشان می‌دهد که از آستانه‌ی گروه سنی خاصی میزان تجرد به سرعت کاهش می‌یابد و از ۵ درصد کمتر می‌شود، این گروه سنی را آستانه تجرد می‌نامند.

متوسط فاصله‌ی سنی زوجین:

این شاخص حاصل تفریق میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان است. بنابراین برای محاسبه‌ی آن ابتدا میانگین سن در اولین ازدواج مردان و زنان را محاسبه می‌کنند.

میزان خام ازدواج:

عبارت است از متوسط تعداد واقعه‌ی ازدواج ثبت شده در طی یک سال در بین هزار نفر جمعیت.

$$\text{میزان خام ازدواج} = \frac{\text{تعداد واقعی ازدواج ثبت شده در طی یک سال}}{\text{جمعیت میانه سال}} \times ۱۰۰۰$$

میزان خام طلاق:

عبارت است از متوسط تعداد واقعی طلاق ثبت شده در طی یک سال در بین هزار نفر جمعیت.

$$\text{میزان خام طلاق} = \frac{\text{تعداد واقعی طلاق ثبت شده در طی یک سال}}{\text{جمعیت میانه سال}} \times ۱۰۰۰$$

شاخص جدید میانه‌ی سن در اولین ازدواج:

در سال‌های اخیر به جای میانگین سن در اولین ازدواج، شاخص دیگری را محاسبه و ارائه می‌کنند که تحلیل‌های بهتری را به دست می‌دهد. عنوان این شاخص، میانه‌ی سن در اولین ازدواج است. امروزه در تحلیل‌های کمتر کشوری، میانگین سن در اولین ازدواج ارائه می‌شود.

این گروه پژوهشی ضمن مطالعه‌ی منابع سایر کشورها، تصمیم گرفت شاخص مذکور را برای جمعیت کشور و استان‌ها محاسبه و ارائه نماید، اما طی تماس با دفتر اطلاعات جمعیتی سازمان ثبت احوال کشور مشخص شد که در سال‌های گذشته، مولفه‌ی مورد نیاز برای محاسبه‌ی «میانه‌ی سن در اولین ازدواج» (سن عروس و داماد در هنگام ازدواج اول آن‌ها)، در دفاتر ثبت اسناد، ثبت نشده و توسط سازمان ثبت احوال کشور نیز گردآوری نشده‌است. این سازمان به محققان اعلام کرده‌است که از سال گذشته با اضافه کردن چند سؤال، امکان ثبت سن در اولین ازدواج افرادی که برای ثبت ازدواج خود به دفاتر مذکور مراجعه می‌کنند فراهم شده‌است. در هر صورت از نظر محققان این پژوهش، معرفی این شاخص در این طرح پژوهشی بسیار مفید و مؤثر خواهد بود و امکان محاسبه‌ی آن نیز از دو طریق زیر فراهم می‌شود که امید است اقدامات لازم در مورد آن‌ها انجام شود:

الف) با افزودن سؤالات زیر به مجموعه سؤالاتی که دفاتر ثبت ازدواج و طلاق در هنگام مراجعه‌ی زوج‌ها مطرح می‌کنند:

آیا قبل از این، ازدواج کرده‌بودید؟

اگر بلی، سن شما در آن زمان چقدر بوده‌است؟

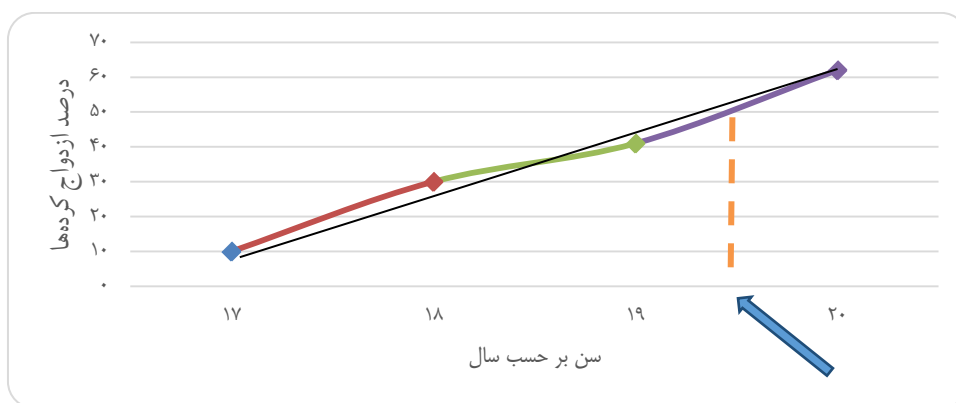
این دو سؤال باید از هر دو زوج پرسیده و در کنار سایر اطلاعات، برای سازمان ثبت احوال کشور، ارسال شود.

ب) راه دیگر پرسش مستقیم در سرشماری عمومی نفوس و مسکن است. در سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن ایران سؤالی در خصوص سن ازدواج وجود ندارد و میانگین سن در اولین ازدواج نیز به روش غیر مستقیم (هاینال) محاسبه می‌شود. اگر در سرشماری‌های آتی یک سؤال با مضمون «سن در هنگام اولین

ازدواج» از تمام زنان و مردان ۱۰ ساله و بیشتر حداقل یک بار ازدواج کرده پرسیده شود، امکان محاسبه‌ی شاخص میانه‌ی سن در اولین ازدواج فراهم خواهد شد.

میانه‌ی سن در اولین ازدواج^۹ برای زنان (و مردان) ۱۵ تا ۴۹ ساله محاسبه می‌شود. برای این کار، تعداد زنان/مردان ازدواج کرده در داخل گروه‌های ویژه‌ی سنی، بر مجموع تعداد زنان/مردان تمام گزینه‌های وضع زناشویی تقسیم و حاصل در عدد ۱۰۰ ضرب می‌شود.

محاسبه، شامل گام‌های مختلفی است که مبنای اصلی آن‌ها، سن واقعی در هنگام اولین ازدواج است. به این معنی که پس از مشخص شدن سن اولین ازدواج بر حسب سنین منفرد (از طریق: ثبت در آمار ثبتی و یا پرسش در سرشماری)، درصد افراد ازدواج کرده در هر سن در نموداری نقطه یابی می‌شود و در انتها نقطه‌ی مربوط به سهم ۵۰ درصد با استفاده از محور عمودی یافت، و پس از تلاقی آن با نمودار، خطی بر محور افقی عمود می‌شود تا میانه‌ی سن ازدواج مشخص شود. اگر سن به دست آمده اعشار داشته باشد به بالا گرد می‌شود. مثال: اگر ۱۰ درصد ۱۷ ساله‌ها، ۳۰ درصد ۱۸ ساله‌ها، ۴۱ درصد ۱۹ ساله‌ها و ۶۲ درصد ۲۰ ساله‌ها ازدواج کرده باشند: (نمودار زیر)



شکل ۱-۱- فرایند ترسیم برای محاسبه‌ی میانه‌ی سن در اولین ازدواج

در تصویر فوق میانه به روش درون یابی، ۱۹/۵ سال به دست آمده‌است، که پس از گرد کردن آن به رقم ۲۰ سال می‌رسیم. به این معنی که ۵۰ درصد زنان قبل و ۵۰ درصد آن‌ها بعد از ۲۰ سالگی ازدواج کرده‌اند. مهم‌ترین ویژگی روش، این است که نشان می‌دهد، در دوره‌ی زمانی مورد بررسی ۵۰ درصد افراد در سنین بالاتر و ۵۰ درصد آن‌ها در سنین پایین‌تر از آن ازدواج کرده‌اند. تحلیل اطلاع حاصل از محاسبه‌ی آن ملموس‌تر از میانگین سن در اولین ازدواج است که نقاط پرت در آن تأثیری غیر واقعی بر جای می‌گذارد. به دلیل محدودیت‌های اشاره شده در بالا، در گزارش حاضر نیز همچنان میانگین سن در اولین ازدواج، به روش هاینال محاسبه و تحلیل شده‌است. با این امید که در سرشماری سال‌های آتی در جهت تولید داده‌های مورد نیاز برای محاسبه‌ی این شاخص اقدام شود. در عین حال گروه پژوهشی ضمن آزمون یک روش و با پذیرفتن این فرض که

^۹ http://www/cpc/unc/edu/measure/prh/rh_indicators/crosscutting/wgse/age-at-first-marriage

همه‌ی کسانی که حداقل یک بار ازدواج کرده‌اند (ازدواج بار اول خود را تجربه نموده‌اند)، میانه‌ی سن در اولین ازدواج را برای جمعیت کل کشور به صورت تقریبی محاسبه و تحلیل نموده‌است.

در این روش تعداد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده در سنین منفرد ۱۵ تا ۴۹ سال به تفکیک سن بر جمعیت سن متناظر تقسیم و حاصل در ۱۰۰ ضرب شده‌است. سپس درصد افراد حداقل یک بار ازدواج کرده برای هر سن محاسبه شده و نمودار خطی آن رسم شده‌است. سپس با خطی افقی نقطه‌ی مربوط به سهم ۵۰ درصد از محور عمودی رسم شده تا نمودار یا خط برآزنده شده به آن را قطع کند از همان نقطه خطی بر نمودار افقی عمود شده تا سن میانه به دست آید.